آخرین وجهی که برای اعتبار رجولیَّت در مرجع تقلید اقامه شده است از راه اصول عملیه است.

مرحوم شیخ عبد النّبی نجفی در کتاب المعالم الزُلفی فی شرح عُروه الوثقی دو وجه بیان می­کند.

**وجه اول:** عموماتِ حرمتِ عمل به غیر علم اصالت الحرمه را اثبات می­کند. لذا در جای که شک کنیم که آیا عمل به فتوای زن عمل به غیر علم است یا نه ؟ اصالت الحرمه باقی است. لذا باید تمسک شود به اصالت الحرمه. چون ما می­دانیم مرجع تقلید ذکور از تحت این عموم خارج شده است . ادله ای که مردم را رجوع به مرجع تقلید مرد می­دهد آن روایات و ادله مُخصِّص این عموم می­شود و می­گوید فتوای مرجع مرد را عمل کنید و این عمل به غیر علم نیست . لکن شک داریم که آیا نسبت به مرجعیَّت زن مخصِّص وارد شد یا نه یعنی روایتی آمده است که عمل به فتوای مرجع زن را عمل به غیر عمل نداند ؟ پس شک ما در تخصیص زائد است یعنی اضافه بر روایات مرجعیَّت مرد روایات جواز تقلید مرجعیَّت زن داریم یا خیر؟ تا مخصِّص آن عمومات باشد ؟ و چون شک در تخصیص زائد داریم اصالت الحرمه به حکم خودش باقی است.

**به نظر ما این بیان از دو جهت مخدوش است.**

**جهت اول:** در مسئله جواز تقلید سیره عقلاء دلیل این مسئله است (نه عمومات از آیات و روایات) و سیره عقلاء مطلق است هم مرجعیَّت مرد و هم مرجعیَّت زن را حجّت می­داند. وقتی دلیلِ جواز تقلید، سیره عقلاء شد و سیره نسبت به هر دو مساوی است لذا دیگر این مسئله از قبیل شک در تخصیص زائد نمی­شود.

**جهت دوم:** در این جا اصالت البراعه جاری است نه اصالت الحرمه زیرا قدر متیقِّن وجوب رجوع جاهل به عالم است لکن نسبت به رجولیَّت شک داریم که آیا بر جاهل واجب است که به مرجع تقلید مرد مراجعه کند یا خیر؟ و این شک در واقع شک در تکلیف زائد است لذا براعت جاری است . نظیر اینکه واجب عِتق مطلق رقبه است ، و شک در ایمان در واقع شک در تکلیف زائد است و لذا زمانی که دلیلِ واجب لُبّی باشد یا دلیل واجب دلیلِ لفظی مجمل باشد مثل آیه و روایت .. در این جا براعت جاری است.

**وجه دوم:** دوران بین اعتبار ذکوریَّت در مرجع تقلید یا اُنوثیَّت از قبیل دوران بین تعیین و تخییر است.

یعنی أمر دائر است بین اینکه همه مردم به طور معیَّن مقلِّد مرجع مرد شوند یا اینکه بین مرجع مرد و زن مخیَّر هستند و می­توانند هر کدام را اختیار کنند؟

در این صورت اصالت التعیین حاکم است لذا مقتضای آن تقلید از مرد است و لذا رجولیَّت شرط است..

به نظر ما اقسام تخییر باید بررسی شود.

**تخییر چهار قسم است.**

**الف:** تخییر عقلی: این نوع تخییر در جای است که أمر به طبیعت تعلُّق بگیرد آن گاه عقل ، ما را بین افراد طبیعت مخیَّر مند مثلا مولی فرمود صلِّ در این جا عقل ما را بین افراد طولی و عرضی صلاه مخیَّر می­کند.

**ب:** تخییر شرعی: این نوع تخییر در جای است که خود شارع در خطاب ،أمر به تخییر کند مانند کفارات ثلاث.

**ج:** تخییر عقلی در باب تزاحم: مثلا هم أمر به ازالهُ النجاسه داریم هم صلِّ و یک قدرت هم بیشتر نیست که باید برای یکی از آنها صرف شود عقل می­گوید مخیَّر هستنی ( عقل از باب تزاحم مخیَّر می­کند و می­گوید اول اهم را انجام بده اگر نشد مهم را به جا بیاور )

**د:** تخییر عقلی در دوران بین محذورین: مثل اینکه أمر دائر بین حرمت و وجوب است (‌نماز جمعه در عصر غیبت )‌و هیچ یک هم مرجح ندارد.

با توجه به این مطلب می­گوییم:

باید دید تخییر بین انتخاب مرد یا زن برای جاهل کدام یک از این اقسام است ؟

به نظر ما هیچ کدام نیست لذا از ریشه وجه شما باطل است.

اما تخییر شرعی نیست چون خطابی از شارع نیامده است.

اما تخییر عقلی باب تزاحم نیست زیا تزاحمی بین مرجعیَّت زن و مرد نیست.

اما تخییر عقلی در دوران بین محذورین هم نیست چون دلیلی و حدیثی نداریم که مرجعیَّت مرد را واجب و مرجعیَّت زن را حرام کند تا دوران بین محذورین می­شود.

اما تخییر عقلی نیست چون مسئله جواز تقلید از راه سیره عقلاء ثابت شده است نه از راه عقل.